



دعوت ناقص به وحدت

با گذشت حدود دو هفته از انتشار حکم قطعی محکومیت حمید رسایی، نماینده مجلس که بابت اتهامات پیش از دوره نمایندگی‌اش در ماجرای اتهام‌زنی به رئیس مجلس محکوم شده بود و واکنش‌هایی را در فضای مجازی و برخی تجمعات خیابانی به دنبال داشت، ورود یک چهره سیاسی نام‌آشنا که مسئولیت سیاسی و امنیتی در شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام دارد، بار دیگر بحث حکم‌رسانی و حواشی ایجاد شده درباره آن را داغ کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر سعید جلیلی، ایشان دو روز پیش در مراسم بزرگداشت رهبر شهید و سالروز عملیات طوفان الاقصی که در دانشگاه تهران برگزار شد، در پاسخ به پرسشی در خصوص ماجرای قضایی پیش آمده بین دو نماینده مجلس گفت: «رهبر معظم انقلاب یکی از جملاتی که بیان فرمودند، این بود که اختلافات، ولو موجه باشند، نباید موجب به‌هم خوردن وحدت شوند. واقعاً من در همین موضوع و موضوعات دیگر، به همه دوستان عرض کرده‌ام که نباید در شرایطی که ملت ما این گونه به میدان آمده است و با وحدت از نظام و انقلاب حمایت و پشتیبانی می‌کند، شاهد چنین رویدادهایی باشیم. ممکن است از نظر حقوقی، موضوعی دارای حکم قضایی باشد؛ اما آنچه اهمیت دارد، این است که امروز همه نیروهای انقلاب باید از این مسائل عبور کنند و برای نقش‌آفرینی در تراز انقلاب بایستند. ان‌شاءالله همه ما باید تلاش کنیم تا در این مسیر، نقش‌آفرینی شایسته‌ای داشته باشیم». در وهله نخست تأکید ایشان بر عمل به توصیه‌های مکرر رهبر شهید و رهبر معظم انقلاب در خصوص وحدت و پرهیز از اختلافات موجه جای قدردانی دارد. این مسئله از این جهت مهم است که برخی به اسم هواداری از ایشان مواضع تخریبی و تندیی علیه دیگر مسئولان و نهادهای قانونی کشور داشته‌اند اما اکنون، موضع خود آقای جلیلی در قبال رفتارهای تخریبی مشخص است. هر صدایی که پژواک‌دهنده وحدت و دعوت‌کننده به پرهیز از اختلاف باشد باید مورد قدردانی و حمایت قرار گیرد.

در وهله دوم، بحث بر سر مفهوم وحدت است. بدون تردید در تعریف مفهوم وحدت اینکه اشتراک نظری که براساس آن باید وحدت شکل گیرد حول چه چیزهایی باید باشد، قانون و دستگاه‌های رسمی جمهوری اسلامی محوریت دارد. ممکن است عملکرد این دستگاه‌ها دارای اشکال و نقد باشد اما نقد عملکرد این دستگاه‌ها از سوی مخاطبان توصیه آقای جلیلی نیز باید در چارچوب پیش‌بینی شده در قانون از طریق موضع رسانه‌ای غیرتخریبی و مؤدبانه و یا اعتراض به نهادهای نظارتی صورت گیرد. در غیر این صورت توصیه به وحدت بدون عمل به لوازم آن و انتقاد از اقدامات تخریبی علیه وحدت، توصیه‌ای کلی و کم‌ارزش محسوب می‌شود.

در وهله سوم اما این پرسش مطرح می‌شود که از منظر توصیه به وحدت، آیا مسئله حکم آقای رسایی را باید ماجرای قضایی پیش آمده بین دو نماینده دانست و صرفاً از وضعی پدانه و ناصحانه همه طرفین را به پرهیز از اختلاف توصیه کرد یا انتظار می‌رود به موازات دعوت به وحدت و پرهیز از اختلاف، لجاجت علیه حکم قضایی و اصرار بر اختلاف‌افکنی بیشتر مورد نقد قرار گیرد؟ اینجا این نقد وارد است که چگونه می‌توان در ماجرابی که یک مسیر قضایی بیش از دو سال طی شده و فردی با وجود محکومیت قضایی، هیچ تلاشی برای جبران خطای خود نکرده و بلکه حتی اطرافیان و دوستان وی چند روز فضای سیاسی و رسانه‌ای و برخی تجمعات خیابانی را به عرصه اختلاف‌افکنی و تهمت‌زنی علیه رئیس مجلس و دستگاه قضایی تبدیل کرده بودند، وسط ایستاد و همه را به یک اندازه نصیحت کرد؟

مسئله روشن است. کلید آزادی آقای رسایی دست خودش است. واضح است که قوه قضائیه تحت تأثیر تخریب‌های فضای مجازی قرار نمی‌گیرد. رئیس مجلس نیز از حقوق قانونی خویش برای حفظ شأن قوه مقننه استفاده کرده و اگر توقع داشته باشیم که آقای قالیباف کوتاه بیاید و از شکایت و اجرای حکم صرف نظر کند، توقع بجایی است به شرط آنکه آقای رسایی که به حکم دادگاه جمهوری اسلامی ایران به طور قطعی محکوم شده است، نسبت به تهمت و ظلمی که زده و رئیس مجلس را متهم به دستکاری در اسناد مجلس کرده، عذرخواهی کند. در این میان انتظار می‌رود افرادی که مسئولیت حفظ امنیت و رعایت مصالح جمهوری اسلامی را برعهده دارند، تمکین به قانون و حفظ چارچوب‌های نظام را خیلی صریح به افرادی که مدعی هواداری آن‌ها هستند گوشزد کنند و در قبال هر حرکتی که در این شرایط حساس کشور، دستگاه‌های مسئول را که با تهدیدات امنیتی و مسائل بسیار مهمی از جنگ تا معیشت مواجه هستند، تضعیف می‌کنند، برخورد کنند.

در حقیقت توصیه به وحدت؛ ارزشمند و گام رو به جلویی است اما هیزمان باید با توصیه صریح‌تر به پرهیز جنجال‌آفرینان از وحدت‌شکنی و دعوت آنان به اصلاح ادعاهای دروغ قبلی همراه شود تا مسئله از یک توصیه لفظی در جهت وحدت به اقدام عملی در تحکیم وحدت ارتقا یابد.

گروه‌سیاسی| روزشمار جنگ|روزدویست‌وبیست‌وششم|

هفت ماه ونیم پس از آغاز جنگ، معادله هزینه‌هاپیچیدتر از آن چیزی شده‌که در روزهای نخست تصور می‌شد. آمریکا همچنان محاصره دریایی ایران را ادامه می‌دهد و بر ابزارهای فشار اقتصادی تکیه کرده است؛ اما پیامدهای جنگ دیگر در مرزهای ایران باقی نمانده‌اند. اختلال در صادرات نفت و گاز، افزایش هزینه کشتیرانی، ناامنی فرودگاه‌ها و زیرساخت‌های منطقه و فشار بر بازار جهانی سوخت، به مسائل روزمره کشورهای خلیج فارس و حتی اقتصاد آمریکا تبدیل شده‌اند.

نفت دیگر با وعده آرام نمی‌شود

رویترز در تحلیل تازه‌خودبه تعبیری معنادار در رفتار بازار نفت اشاره کرده‌است. وعده‌های ترامپ در باره پایان جنگ دیگر اثر سابق را ندارند. در ماه‌های نخست، سخنان رئیس‌جمهور آمریکا درباره پیشرفت مذاکرات یا بازگشایی هرمز گاهی قیمت‌ها را پایین می‌آورد، اما شکست آتش‌بس تیرماه وتادوم درگیری‌ها، اعتماد بازار به این وعده‌ها را کاهش داده است. نفت برنت همچنان بالای ۱۰۰دلار معامله می‌شود. مسئله فقط میزان نفتی نیست که از خلیج فارس خارج می‌شود، شرکت‌های حمل‌ونقل باید خطر حمله، افزایش حق بیمه و احتمال اختلال دوباره در مسیرهای دریایی را نیز در محاسبات خود وارد کنند. واشنگتن می‌تواند از عبور نفتکش‌ها سخن بگوید، اما نمی‌تواند فقط با یک وعده‌سیاسی، خطر جنگ را از محاسبات شرکت‌های بیمه و کشتیرانی حذف کند.

رکورد تازه در جنگ دریایی

گزارش تازه داده‌های کپلر و ویندوارد، ابعاد این نااطمینانی را روشن‌تر می‌کند. بر اساس این گزارش، از پنجم تا یازدهم اکتبر، ۱۲ کشتی تجاری در اطراف تنگه هرمز هدف حمله قرار

گزارش

بیانیه ۲۹ کشور غربی از پروژه مشترک برای استفاده ابزاری از متحدان اروپایی در مشروع جلوه دادن اقدامات ضدایرانی حکایت دارد

بازی در نقشه آمریکا را تأیید می‌کنیم!

اتهام‌زنی مدعی شده‌اند تهران پشت حادثه در پایگاه انگلیسی قرار دارد، وزارت امور خارجه اگرچه روز گذشته ادعای غربی‌ها در انتساب حادثه‌امنیتی به ایران را محکوم و آن را توطئه‌ای زشت برای پیشبرد کارزار ایران‌ستیزی و فرار از پاسخ‌گویی در قبال مشارکت انگلیس در تجاوز نظامی آمریکایی- صهیونیستی عنوان کرده، اما در موشکافی اتفاق اخیر چند نکته را نباید از قلم انداخت. امضای کشورهای اروپایی پای بیانیه مذکور با وجود مخالفت روشن و باطنی آن‌ها با سیاست ترامپ در قبال ایران، اثبات وابستگی و پیروی محض و فریاد زوال سیاسی امپراتوری‌هایی است که روزگاری دور هم جمع شده‌و نقشه دنیا را ترسیم می‌کردندولی حال‌در حد پادویی تنزل نقش یافته‌اند. عشق یک‌طرفه چشم‌آبی‌ها در حالی است که رئیس‌جمهور ایالات‌متحده در تحقیر ساکنان قاره سبز چیزی کم نگذاشته. او همین چند روز پیش قراردادی برای خرید گازوئیل از روسیه، دشمن نخست متحدان فراتلانتیکی به امضا رساند تا نشان دهد آن‌ها را اصلاً عددی به حساب نمی‌آورد. با همه این اوصاف، اروپا به‌جای ایستادگی و اتخاذ سیاست خارجی مستقل، به بیانیه ضدایرانی باب میل کاخ سفید پیوسته تا ثابت شود چیزی از گذشته به یاد ندارد و همان‌گونه که ترامپ قفت ببری کاغذی وبی‌دندان است!

■بیانیه سیاسی برای توجیه اقدام‌های نظامی

نکته مهم‌تر درخصوص بیانیه ۲۹ کشور غربی، احتمال سوءاستفاده بعدی واشنگتن از چنین رخداد سیاسی در توجیه رویکرد نظامی و حتی کشاندن پای اروپا (با وجود مخالفت آن‌ها) زیر سایه ائتلاف ناتو به تقابل با کشورمان است. سران قاره سبز، به بهانه‌های مختلف تاکنون از مشارکت در جنگ با

گزارش منابع بین‌المللی از هدف قرارگرفتن ۱۲کشتی در تنگه هرمز طی هفته گذشته حکایت دارد، آماری که از هفته نخست جنگ هم بالاتر است

دیوار آتشین ایران در تنگه هرمز



باز کند، اما تضمین امنیت پایدار کشتیرانی به چیزی فراتر از اسکورت نظامی نیاز دارد.

■عربستان؛ هزینه امنیت از دست رفته

در عربستان نیز صورتحساب جنگ دیگر فقط نظامی نیست. واشنگتن پست در گزارش دیروز خود به دشواری انتخاب پیش روی ریاض پرداخته است. انتخاب بین ادامه عملیات گسترده علیه انصارالله برای کاهش تهدید یا حرکت به‌سوی راه‌حلی سیاسی که امنیت بلندمدت کشور را تأمین کند. حملات موشکی و پهپادی به فرودگاه ریاض، علاوه بر تلفات انسانی، رفت‌وآمد هوایی و تصویر عربستان به‌عنوان مقصدی امن برای سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار

داده است. این مسئله برای کشوری که بخش بزرگی از برنامه توسعه خود را بر گردشگری، تجارت، جذب سرمایه و تبدیل شدن به مرکز اقتصادی منطقه بنا کرده، اهمیتی فراتر از خسارت یک حمله دارد. ائتلاف نظامی می‌تواند توان دفاعی عربستان را افزایش دهد، اما اقتصاد این کشور بیش از هر چیز به اطمینان از تکرار نشدن حملات نیاز دارد.

■هزینه جنگ، بخشی از معادله مذاکره

تحولات ماه‌های اخیر نشان داده‌اند اعمال فشار بر ایران، هزینه‌هایی فراتر از اقتصاد ایران ایجاد می‌کند. بازار نفت به وعده‌های سیاسی کمتر اعتماد می‌کند، امنیت کشتیرانی با حضور ناوهای بیشتر تضمین نمی‌شود، عربستان برای ادامه برنامه‌های اقتصادی خود به ثبات نیاز دارد و آمریکا حتی در پرونده روسیه با پیامدهای بحران انرژی روبه‌رو شده است. از این منظر، مسئله ایران فقط تحمل فشار نیست. آنچه اهمیت دارد، تبدیل هزینه‌های متقابل جنگ به توافق است که محاصره را پایان دهد، خطر حملات دوباره را کاهش دهد و امنیت رفت‌وآمد دریایی را تثبیت کند. این نشانه‌ها روشن می‌کنند جنگ را نمی‌توان فقط با محاسبه خسارت‌های وارد شده به ایران سنجید. این جنگ برای همه طرف‌ها هزینه داشته است؛ اما نکته مهم‌تر آن است که هزینه ادامه فشار نیز دیگر در اختیار یک‌طرفه واشنگتن نیست. ایران برای بهره بردن از این موقعیت، همچنان به راهی نیاز دارد که اهرم‌های بازدارندگی را به نتیجه‌ای پایدار تبدیل کند. طرف مقابل نیز برای بازگرداندن ثبات بازار انرژی، ناگزیر است فراتر از اسکورت نفتکش‌ها و وعده‌های کوتامدت بیندیشد. حال‌صورتحساب جنگ روی میز همه کشورهای منطقه قرار گرفته است. آمریکا همچنان می‌تواند فشار را ادامه دهد؛ اما دیگر نمی‌تواند هزینه آن را فقط در ستون اقتصاد ایران بنویسد.

ایران طفره رفته و در تله کاخ‌سفید نیفتاده‌اند. با وجود این بی‌میلی، امضای آن‌ها پای اطلاعیه اخیر می‌تواند بهانه خوبی به دست کاخ سفید در راستای مشروع‌سازی جنگ بدهد. در چنین سناریویی نقش انگلیس مهم است. اینکه لندن در ابتدا دست داشتن جمهوری اسلامی در حادثه پایگاه فرورد را به‌روشنی رد کرده ولی پس از اظهارات ترامپ، چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای داشت مشکوک است. این نوع بازیگری از آن جهت مهم است که توجه‌داشته باشیم کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر پیشین انگلیس، مخالفت جدی با رویکرد آمریکا در قبال ایران داشت، اما اندی برنهام با اتاق بیضی کاملاً هماهنگ است. او به محض ساکن شدن در ساختمان شماره ۱۰ داوونینگ‌استریت، محدودیت استفاده آمریکا از پایگاه‌های انگلیسی را لغو کرد و در ادامه از پیوستن به کارزار نظامی واشنگتن علیه جمهوری اسلامی خبر داد. بر این اساس بیانیه اخیر را می‌توان بازی هماهنگ انگلوساکسون‌ها برای بهره‌برداری سیاسی از مترسک‌های اروپایی با سوءاستفاده از اعتبار ناتو، برای توجیه رویکرد ضدایرانی دانست. البته شخص‌است این به معنای حمایت اروپا از سیاست واشنگتن نیست؛ چراکه آن‌ها همچنان روسیه را تهدید نخست دانسته و به جنگ با ایران تمایل نیستند، اما برخی اظهارات دبیر کل ناتو از گرفتاری وی در نقشه واشنگتن ولندن وتایل وی برای ورود بیشتر ائتلاف نظامی به ماجراجویی علیه جمهوری اسلامی حکایت دارد. مارک روتو چندی پیش گفته بود اروپایی‌ها به علت منافع که دارند باید پیش از آمریکا به جنگ با ایران می‌رفتند؛ دبیر کل ناتو اکنون نیز با تأکید بر اینکه از بیانیه ۲۹کشور استقبال می‌کنم، آن را نشانه هم‌سویی کشورهای متحد در مقابل یک تهدید خوانده است.

فارس، پیامدهای منطقه‌ای به همراه داشته باشد.

۲.عربستان: ریاض می‌خواهد اطمینان حاصل کند که هر گونه ترتیبات پایدار در تنگه هرمز با پذیرش گسترده‌تری از سوی شورای همکاری خلیج فارس همراه باشد. بنابراین میان حمایت از تعامل با تهران و رضایت به نتایج حاصل از این تعامل، تمایز قائل می‌شود. توضیح عمان در مورد اینکه نشست صلاله به خاطر اجماع به تعویق افتاد، در این زمینه گویاست. در واقع توافق میان کشورهای خلیج فارس در حال تبدیل شدن به بخشی از فرایند مذاکره است. ۳.بحرین: در سوی دیگر طیف (مقابل عمان) واضح‌ترین موضع را دارد و به طور کلی از شرکت در نشست صلاله خودداری کرده است. استدلالش این است که امنیت منطقه‌ای را نمی‌توان از طریق سازش حفظ کرد و خواستار باز ماندن هرمز بدون تبعیض، هزینه با مجوز است. ۴.قطر: از نظر دیپلماتیک موقعیتی نزدیک به عمان دارد. اما تمایز روشنی بین مذاکره و اقتدار قائل شده است. نقش میانجی‌گرانه فعال دارد و در عین حال بر بازگشایی فوری و بی‌قید و شرط تنگه هرمز تأکید دارد و معتقد است هر گونه ترتیبات آینده برای مدیریت تنگه باید بر اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی استوار باشد. این موضع پلی میان مواضع مسقط و ریاض ایجاد می‌کند. ۵. امارات متحده عربی: این کشور در حال دنبال کردن نوع دیگری از اهرم سیاسی است. ابوظبی از یک سو خواستار بازگشایی بی‌قید و شرط تنگه هرمز شده و استفاده از آن به عنوان ابزار اعمال فشار اقتصادی را رد کرده و از سوی دیگر تلاش‌های خود را برای کاهش وابستگی خود به تنگه تسریع کرده است. این استراتژی به صفررسانی هرمز نمی‌تواند آبراه را بی‌اهمیت کند، اما می‌تواند ارزش تهدید به بسته شدن آن را کاهش دهد. در نهایت در حالی که عمان به دنبال مدیریت دیپلماتیک نفوذ ایران است و عربستان سعودی می‌خواهد این کشور را از نظر سیاسی محدود کند، رویکرد اماراتی برای تضعیف ساختاری تلاش می‌کند.